

## چه کسی پاسخگوی هزینه‌هاست؟



منصور بیطرف

روزنامه‌نگار و تحلیلگر اقتصادی

نامه احسان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی در اواخر ماه گذشته به نهاد «افای‌تی اف» که ایران را از ذیل توصیه شماره ۷ و استانداردهای این نهاد حذف کنند، بالاخره جواب گرفت و بنا بر گزارش، ششاد (شبکه خبررسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی) و خبرگزاری فارس، «افای‌تی اف»، ایران را از فهرست سیاه حذف کرد. این خبر را باید به فال نیک گرفت.

در واقع از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم و به‌ویژه پس از پیوستن ایران به پیمان شانگهای و بریکس، از گوشه کنار گفته می‌شد که به احتمال خیلی زیاد مجمع تشخیص مصلحت نظام دو لایحه پالرمو و «سی اف تی»، لوائح الزامی پیوستن ایران به «افای‌تی اف» تصویب می‌شود، زیرا همه اعضای پیمان شانگهای و سازمان بریکس عضو «افای‌تی اف» و موظف به اجرای مفاد سازمان «افای‌تی اف» هستند. هرچند که خبر احتمال تصویب لوائح از سوی نهادهای رسمی نه تأیید می‌شد و نه تکذیب اما روند کار نشان می‌داد که این لوائح در دستور کار مجمع هست و بخش از زیادی از آن تصویب و حتی به گفته معاون وزیر امور اقتصادی، عملیاتی هم شده است. در واقع گفته‌های آذرماه سال گذشته هادی خانی، معاون وزیر امور اقتصادی، مبنی بر آنکه بررسی تصویب پالرمو و سی اف تی در دستور کار مجمع قرار دارد و بخشی از استانداردهای افای تی اف هم عملیاتی شده است، نشان می‌داد که دولت رئیسی بر خلاف حامیان تندرو که تتر می‌زدند «آزادسازی ۶ میلیارد دلار بدون برجام و افای تی اف» به ضرورت خارج شدن از فهرست سیاه «افای تی اف»، کاملاً پی برده بود اما چه کند که

نمی‌تواند آن را در بوق و کرنا کند؟ یک سال بعد از مصاحبه آقای خانی و نوشتن نامه احسان خاندوزی به افای تی اف، نشان داد که مجمع تشخیص مصلحت نظام در سکوت خبری این دو لایحه را به تصویب رسانده است، و آنچه که رسانه‌های حامی دولت از آن به‌عنوان نامه اعتراضی نام برده بودند در واقع نامه اعتراضی نبود بلکه اعلام تصویب دو لایحه‌ای بود که برای مدت حدود ۵ سال از سوی مخالفان دولت روحانی در مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌گروگان گرفته شده بود.

اما واقعاً باید پرسید شرایط فعلی ایران با شرایط ۵ سال پیش که مجمع این لوائح را تصویب نمی‌کرد چه فرقی دارد؟ یا بهتر است این سوال را بپرسیم به گروگان گرفتن لوائح پالرمو و سی اف تی، چه بها و هزینه‌هایی برای اقتصاد ایران داشت؟ هرچند بررسی دقیق آن نیاز به کار کارشناسی گسترده‌ای دارد که بدون شک نهادهای مطالعاتی در این خصوص می‌توانند انجام دهند و یا شاید هم در حال انجام آن باشند، اما با نگاهی به هزینه‌های تسخیر ارز و فروش ارزان قیمت نفت در بازارهای جهانی - همین‌جا می‌تواند فهمید که چرا ایران فروش نفت ارزان را به چین از ماه گذشته متوقف کرد- می‌توان هزینه‌های عدم تصویب لوائح پالرمو و «سی اف تی» را متوجه شد.

پیش از این از سوی کارشناسان اقتصادی و دولتمردان تکنوکرات درباره ضرورت‌های پیوستن ایران به «افای تی اف» سخن گفته شد و نوشته شد؛ بسیار هم گفته شد و بسیار هم نوشته شد؛ اما از آنجا که سیاست‌ورزی در ایران به معنای حذف رقیب به هر بها است، نهنها به این درخواست‌های مکرر، که میبشت مردم را به گروگان گرفته شده بود، پاسخ مثبتی داده نشد بلکه راه آن هم انواع سنگ‌ها انداخته می‌شد، از جمله از سوی همین وزیر فعلی! یا به هر حال خارج شدن ایران از فهرست سیاه «افای تی اف» را باید به فال نیک گرفت؛ آن هم از دو جهت: اول آنکه دیگر ائتلاف هزینه‌های بانکی و ارزی از بابت عدم پیوستن به افای تی اف رانداریم و دوم، ورود دولتمردان دولت سیزدهم، را به مسیر تکنوکرات شدن خوشامدی گوئیم.

## ادامه سر مقاله

گرفته یا محقق نکرده است. در مقابل هزینه‌های این موفقیت بسیار زیاد بود. اغلب افرادی که به او رای دادند، متوجه شدند که دولت به مسائل غیر اقتصادی حساسیت بیشتری دارد و برای اراده اعضای اتاق اصالتی قائل نیست. این هزینه بزرگی است که ظاهراً دولت متوجه تبعات آن نیست. دولت نمی‌تواند بدون همراهی مردم و بخش خصوصی چرخ‌های زنگ‌زده اقتصاد را به حرکت درآورد و برای این کار نیازمند اعتماد و حسن ظن طرفین است. این سرمایه بسیار بزرگی بود و همچنان هم هست و نباید خرج امور جزئی شود.

## ادامه از صفحه اول

مدارس مسجدمحور قرار است علاوه بر کتاب‌های درسی به‌صورت ویژه روی مباحث اعتقادی و پرورشی دانش‌آموزان هم کار کنند. ویژگی اصلی این مدارس، رشد و تربیت دانش‌آموزان در سایر ابعاد اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، شغلی و مهارتی... تعریف شده است؛ به این امید که انسان‌های توانمندی برای آینده جامعه تربیت کنند. در واقع این مدارس تلفیقی از مدارس اسلامی و به‌روز است که وارد میدان می‌شود، میدانی که سعی دارد نظام تعلیم و تربیت را نادیده گرفته و روشی نو را برای کودکان و نوجوانان تبیین کند.

با وجود تبلیغ مدارس مسجدمحور در تریبون‌های عمومی، اما واقعیت این است که چنین مدرسه‌ای ساختار، قاعده و چارچوب مشخصی ندارند. کسانی هم که به تعریف و تمجید این مدارس پرداخته‌اند هر کدام بر اساس نگاه و تجربه شخصی خودشان، به این مسئله ورود پیدا کرده‌اند. ورود این مدارس به سیستم رسمی آموزش و پرورش کشور می‌تواند تبعات فراوانی بر شیوه تعلیم و تربیت و همچنین پرورش کودکان و نوجوانان کشور داشته باشد. اما تبعات چنین تصمیم و اجرای این شیوه از تعلیم و تربیت چیست؟

پیش از اینکه به برخی از تبعات راه‌اندازی این مدارس بپردازیم، چند پرسش مطرح می‌شود که خوب است آموزش و پرورش به آنها پاسخ بدهد؛ متولیان این مدارس باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟ نقش طلاب و روحانیون در این مدارس چگونه است؟ برنامه درسی مورد نظر مدارس مسجدمحور چیست؟ چه خانواده‌هایی فرزندان‌شان را به این مدارس فرستاده‌اند؟ معلمان مدرسه چه کسانی هستند و چگونه انتخاب می‌شوند؟ شیوه‌های تربیتی چیست؟ هزینه این مدارس از کجا و چگونه تامین می‌شود؟ آیا مانند مدارس غیرانتفاعی توسط خانواده‌ها پرداخت می‌شود یا مثلاً از طریق وجوهات هزینه‌ها تامین خواهد شد؟ نظارت بر این مدارس به چه صورت است؟

اما نکات دیگری که درباره این مدارس مطرح می‌شود:

نظام آموزش و پرورش کشور مبتنی بر مسائل بی‌شماری بنیاد نهاده شده است. آموزش و پرورش یک نهاد بسیار بزرگ و کاملاً تخصصی است که در طرح مسجدمحور، به شکل کوچک و پیش‌پاافتاده در نظر گرفته شده است. در حالی که در تصمیم‌هایی از این دست، باید مسائل بی‌شماری در نظر گرفته شود؛ پذیرش جامعه، نیاز جامعه، برنامه‌های آموزشی، انتخاب معلمان آموزش دیده و مسلط و باصلاحیت، روش‌های اجرایی علمی و اصولی، اهداف درست و دقیق فراگیری و تربیت، داشتن فضای آموزشی مناسب، هماهنگی مدرسه با جامعه، مدیریت کارآمد در مدرسه، محتوای درسی و... تنها بخشی از مسائلی است که باید مورد بررسی دقیق قرار می‌گرفت. اما ناگهان مدارس مسجدمحور چگونه می‌تواند همه اصول علمی و مورد قبول جامعه را در نظر بگیرد؟ در حالی که آموزش و پرورش با وجود همه توانمندی‌هایش باز هم در برخی از نیازهای تربیتی دانش‌آموزان با کمبودهایی روبه‌رو است

## روپای وزیر اقتصاد

## بدون تصویب لوائح پالرمو و CFT

## چگونه از لیست سیاه FATF خارج شدیم؟



الهه ابراهیمی

دبیر گروه خبر

روز گذشته رسانه‌های نزدیک به دولت براساس خبر نقل شده از وزارت اقتصاد و دارایی ادعا کردند که نام ایران از فهرست سیاه FATF حذف شده است. این در حالی است که در وبگاه کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF) خبری مبنی بر خروج ایران درج نشده است و با استناد به آخرین خبر منتشرشده در تیرماه امسال، نام ایران در کنار کشورهایی همچون کره شمالی و میانمار در لیست سیاه این کارگروه قرار دارد. هرچند نگارنده آرزو دارد ادعای مطرح‌شده رنگ حقیقت یابد اما مسئله اصلی این است که دلیل حضور ایران در لیست سیاه FATF این بود که ایران نتوانست مقررات پالرمو و کنوانسیون تامین مالی تروریسم را مطابق استانداردهای این کارگروه ویژه اقدام مالی به تصویب برساند. بنابراین با توجه به اینکه این لوائح در مجمع تشخیص مصلحت نظام مسکوت مانده است، نمی‌توان پذیرفت که این امر محقق شده است.

مسئولان و تصمیم‌گیران کنونی دولت سیزدهم از همان ابتدای روی کار آمدن از مخالفان سرسخت پذیرش ایران در FATF بودند. این گفته توسط رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد بارها تکرار شده است. حتی رسانه نزدیک به دولت با تهیه گزارش‌های متعددی سعی کردند که اعلام کنند دولت

غیرمستقیم می‌شود) قرار گرفته است. یک دانش‌آموز وقتی وارد مدرسه می‌شود می‌فهمد که نظام رسمی آموزشی کشور تا چه حد متفاوت با محیط خانوادگی، جمع دوستان، محتوای شبکه‌های اجتماعی، دوره‌های و میهمانی‌های دوستانه و فامیلی است. این تعارض در مدارس مسجدمحور می‌تواند بیشتر خودش را نشان بدهد.

در عین حال جدا کردن افراد مذهبی از بقیه اجتماع یک فضای دوقطبی و چندقطبی به وجود می‌آورد. دغدغه طراحان از این مدارس چیست؟ می‌خواهند دانش‌آموزان را مذهبی تر بار بیآورند؟ آیا رفتن دانش‌آموزانی با خانواده‌های مذهبی به مدارس مسجدمحور باعث نمی‌شود که مدارس معمولی، غیرمذهبی تر شوند؟ مگر نه اینکه دانش‌آموز در دوران مدرسه باید با همه جور افرادی از فرهنگ‌ها و عقیده‌های گوناگون تعامل و هم‌نشینی داشته باشد؟ از طرف دیگر آیا علمینان را دیدن دانش‌آموزانی که در مدارس مسجدمحور درس می‌خوانند بعد از مدتی دین‌گریز نمی‌شوند؟ همه اینها در حالی است که مدرسه باید به مثابه یک نهاد مستقل اجتماعی در نظر گرفته شود؛ نهادی که باید به کانون همملی، همفکری و بستری برای تجربه مشترک افرادی با گرایش‌های گوناگون فکری، دینی، سیاسی، اجتماعی و زبانی در مسیر توسعه و پیشرفت تبدیل شود.

چند سالی است که آموزش و پرورش کشور با یک مشکل مهم و اساسی مواجه شده است؛ خصوصی سازی و کالایی سازی آموزش در ایران. سال ۱۳۶۷ بود که قانون تشکیل مدارس غیرانتفاعی تصویب شد. در طول این سال‌ها به تدریج شاهد افزایش مدارس خصوصی و غیرانتفاعی در شکل‌های مختلف هستیم. وضعیت اقتصادی کشور و متعاقب آن کمبود بودجه در آموزش و پرورش باعث شده که تعداد و تنوع مدارس غیرانتفاعی بیشتر شود. سیستم آموزش کشور متکی به منابع عمومی دولت است و این منابع هم با محدودیت مواجه است. نتیجه اینکه سهم بودجه آموزش کشور از تولید ناخالص داخلی و به نسبت هرم جمعیتی کشور کاهش یافته و متأسفانه با سرعت بیشتری در حال کاهش است. خب این مسئله مشکلات بسیار زیادی برای نظام سیاستگذاری کشور در حوزه آموزش فراهم می‌کند؛ به طوری که می‌توان گفت در مرز فروپاشی در حوزه آموزش قرار گرفته‌ایم. بی‌پولی و بی‌تصمیمی‌ها، باعث شده یک ساختار ملوک‌طوائفی حکمرانی به وجود آید. پس طبیعی است که بینیم بسیاری به‌دنبال راه‌اندازی مدارس غیرانتفاعی باشه‌ریه‌های سرسام‌آور هستند که تبدیل به یک شغل سودآور و کسب و کار پرمنفعت شده است. در چنین شرایطی هر کسی که قدرتمندتر باشد می‌تواند مدرسه مورد نظر خودش را راه‌اندازی کند. همان‌طور که در این سال‌ها دیده‌ایم و شنیده‌ایم که بسیاری از سیاستمداران و صاحب‌منصبان برای خودشان مدرسه غیرانتفاعی تأسیس کرده‌اند. در شرایطی که کاهش تصدی‌گری دولت در حوزه آموزش‌وپرورش صورت می‌گیرد، قاعدتاً برخی می‌سازد که از فضا و امکانات بر خوردار هستند، می‌توانند رقیبی جدید برای آموزش و پرورش باشند و البته به‌انتفاع برسند.

مردمی رئیسی بدون عضویت در FATF موفق شده است رکورد‌های صادراتی را جابه‌جا کنند اما حالا این سیاست رنگ باخته است و تلاش‌ها براین است که ایران از لیست سیاه این کارگروه ویژه مالی خارج شود. مهمترین تلاش نیز ارسال نامه اعتراضی وزیر اقتصاد به رئیس گروه ویژه اقدام مالی بود که در آن خواسته شده بود با توجه به پایان تحریم‌های تجارت سلاح‌های متعارف ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ که از قضا یکی از خروجی‌های برجام دولت روحانی بود، نام ایران از ذیل توصیه شماره هفت FATF حذف شود. حال سایت خبری وزارت اقتصاد و دارایی (شاداد) روز گذشته در خبری منتشر کرد: «پیرو ارسال نامه اعتراضی از طرف وزیر امور اقتصاد و دارایی به رئیس گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و پیگیری مرکز اطلاعات مالی جمهوری اسلامی ایران برای حذف نام ایران از ذیل توصیه شماره ۷ و استانداردهای این نهاد، سرانجام رئیس گروه ویژه اقدام مالی طی نامه‌ای رسمی ضمن پذیرش درخواست جمهوری اسلامی ایران بیان کرد، اصلاحات و تغییرات در استانداردهای خود مرتبط با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد را به تمامی کشورهای عضو و شبکه جهانی مبارزه با پولشویی اعلام کرده است.» در ادامه این خبر نیز آمده است: «این موضوع بیانگر مطالبه‌گری دولت مردمی و شورای پیشگیری از جرائم پولشویی و تامین مالی تروریسم با رویکرد احقاق حقوق ملت ایران از گروه ویژه اقدام مالی است.» لازم به ذکر است که توصیه ۷ گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در خصوص تحریم‌های هدفمند مرتبط با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی است که از کشورها می‌خواهد در راستای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد اقدامات بیان‌شده از قبیل توقیف وجوه و دارایی‌های اشخاص تعیین‌شده را بدون تاخیر اعمال کند.



چهل‌وپهار سال از انقلاب گذشته است و محتوای کتاب‌های درسی به‌طور کامل در اختیار یک نگاه خاص قرار داشته است. اما همین کتاب‌های درسی پس از چهار دهه نهنها پذیرش بسیاری از دانش‌آموزان مواجه نشده که ایراد و انتقاد معلمان را نیز به همراه داشته است. بسیاری از معلمان گفته‌اند که در قالب این کتاب‌های درسی قادر به پاسخگویی به نیازهای علمی دانش‌آموزان نیستند. غلبه مباحث ایدئولوژیک در محتوای کتاب‌های درسی و تغییر این کتاب‌ها به نفع سیاست، باعث شده که هویت نظام آموزشی و فرهنگی کشور خدشه‌دار شود و اعتبار مدارس در میان جامعه علمی و فرهنگی کاهش پیدا کند. مدارس مسجدمحور چه محتوایی را آموزش خواهند داد؟ توضیحاتی که در روزهای گذشته توسط برخی از متولیان و علاقه‌مندان چنین مدرسه‌ای منتشر شده، می‌تواند نگران‌کننده باشد. به قول یکی از وزرای اسبق آموزش و پرورش اگر امام جماعت یک مسجد تشخیص بدهد بخشی از محتوا حذف شود، تکلیف چیست؟ این احتمال وجود دارد که مدارس مسجدمحور برخی از مواد آموزشی را نافع تشخیص ندهند و در نتیجه به آن موارد بی‌توجهی شود و به اهداف و پایه‌ها نرسیم. آن موقع چه باید کرد؟

هدف از تشکیل مدارس مسجدمحور چیست؟ آیا تأسیس چنین مدرسه‌ای در چارچوب هدف آموزش و پرورش است؟ هدف آموزش و پرورش را باید در چارچوب نیازها و ضرورت‌های زندگی فردی و گروهی انسان‌ها جست‌وجو کرد. مقاصد تربیتی در هر زمان و بر مبنای شرایط خاص همان مکان تهیه می‌شود. اما شرایط و مقتضیات این روزهای جامعه ما چیست؟ پاسخ مشخص است، سلسله‌مسائلی که به زندگی روزمره انسان‌ها بر می‌گردد. این موضوع مهم و پیچیده، مستلزم شناسایی دقیق و بازشناسی مستمر نیازها و ضرورت‌های زندگی است. بنابراین گردهم نشستن گروهی خاص و توافق آنها برای قبول و تعیین هدف‌های آموزش و پرورش، هر قدر هم توانا و در مسائل تربیتی و اجتماعی روشن‌بین باشند، کافی نیست. برای تعیین مقاصد تربیتی لازم است نیازها و ضرورت‌ها بررسی شود. اولین مشکل از همین جانشینی می‌شود که مقتضیات زندگی انسان متنوع است و به سرعت و به صورت پیگیر در حال دگرگونی است. در اثر این ویژگی‌ها بین مقاصد تربیتی و نیازهای اصلی جامعه نوعی فاصله و ناهماهنگی پدید می‌آید و به همین سبب هدف‌های آموزش و پرورش ما اغلب کهنه به نظر می‌رسند و به‌حق می‌توان قبول کرد که گاهی سنتی و ناراسا هستند و با ضرورت‌های محسوس و ملموس زمان مغایرند. این ناهماهنگی عملاً ناباوری و شاید هم مقاومت معلمان و دانش‌آموزان را در قبال کار و برنامه مدرسه موجب می‌شود. اکنون مدارس مسجدمحور که به‌شدت به برخی سنت‌های گذشته پایبند هستند، قرار است چه تحولی در جامعه به وجود بیاورند؟ در حال حاضر بسیاری از ارزش‌هایی که شاید در مدارس بیست، سی و چهل سال پیش آموزش داده می‌شد، ممکن است نیازهای زندگی آینده را تامین نکنند. برنامه‌ریزی اولین معیار کار مدرسه است و اگر نتواند متناسب با نیازهای روز جامعه پیش